

## بازمانده‌ها از آیین کهن آریایی در پامیر

دکتر محرم فیض

(تاجیکستان)

ما چون جهان قرن ۲۱ خوشی را می‌سازیم یک چیز را باید به خوبی و توانایی درک بکنیم. آن هم میراث فرهنگی ناتکرار ماست و ما باید آن را همه‌جانبه بیاموزیم و سنتهای خود را چنان انکشاف دهیم که آن‌ها در قرن‌های بعدی نیز جالب درخور نسل آینده ما باشند و به عنعنات (مفاخر اجدادی) و فرهنگ دل‌آویزمان به پیش برویم.

اجداد ما دین و دیانت خوب و نیرومندی را صورت داده‌اند که با وجود تزییق زیادی نشانه‌های آن از قعر عصرها تا به امروز در بین نسل‌ها محفوظ مانده است. سرزمین پامیر کهن نیز از دیرزمان در قلب خود سنتهای دینی باستانی آریایی را پیروی میکرد و با مرور زمان و اصلاحات معمول پیغمبر زردشت عنوان دین زردشتی گرفت تا به ما عنعنات با خود آورده را به میراث گذاشت.

پامیر و کشمیر در برابر افغانستان و ایران در دوره اول قرون وسطی به ایران‌شهر داخل بوده همان ارآنا\_ویجا (ایرانویج) یعنی وطن زردشت را تشکیل داده است.

عالم نمایان آلمانی کارل دیشلر سرحد ایران را در شکل ذیل به قلم داده است:  
«از شرق رودخانه هند، از غرب کردستان مرز ایران است.» و فکر خود را

### ایران زمین

ادامه داده گهواره نسل ایران را در موضع کوهستان پامیر و هندوکش نشان داده است. عقیده او را عالمان ن. و. خانیکوف، ا. ب. کریمسکی، ا. شیبئوف، ا. ا. سیمیانوف، و. و. برتوله، ریچارد فرای نیز اعتراف کرده‌اند.

امروز مردم پامیر مسلمانند. اما کی به اسلام رو آورده‌اند معلومات دقیق در دست نداریم. فقط این قدر معلوم است که هنگام آمدن حکیم ناصر خسرو به بدخشان (قرن ۱۱) ساکنانش پیرو مذهب اسماعیلیه دین اسلام بوده‌اند. طبق اطلاعات مارکوپولو در قرن ۱۳ دین اسلام در بدخشان مستحکم پایدار بوده است. در کوهستان بدخشان مذهب‌های سنی، شیعه اثناعشری و اسماعیلی مساوی فعالیت دارند.

لیکن نواحی روشن و شغنان در قرن‌های ۱۰-۱۱ نه تنها همچون دولت مستقل بلکه از جهت دین نیز با آئین باستانی آریایی زندگی داشتند. سرحد شغنان زمین طبق نشان داد ابن خردادبه در کتاب «المسالک و الممالک» از طرف شمال غرب اشت، ختل، و خش و ترمیذ، از جنوب بالاد، کابل از شرق واخان، ختن و کاشغر. بوده است (۴،۳۰). به همین شکل سرحدات شغنان را حکیم فردوسی در «شاهنامه» آورده است. (۵،۱۸۱)

از این گفته‌ها چنین برمی‌آید که یعنی روشن، شغنان و نیرتنگ در قرن ۱۰-۱۱ سرزمین مستقل بوده، اسلام در هیچ شکل به آن جا سر در نیاورده است.

تاریخ‌نویس عرب ابن حوقل در کتاب «صورة الارض» نوشته است که در همسایگی و خش و خوتسل دو ملکی موجودند که هنوز اسلام را نپذیرفته‌اند (۶،۲۰۴). این گفته‌های ابن حوقل دلیل بر آن می‌باشد که دوشان

### ایران زمین

و شغنان و واخان بدخشان هنوز در دین ایران قدیم بود و پرستش آتش می‌کردند.

طبق اطلاعات ادبیات مربوطه معلوم است که کیش زردشتی ۳۵۰۰ سال قبل در وادی‌های آسیا پیدا شده است و پیمبر آن زردشت نیز در زمان‌های نهایت دور زیسته است ولی بدقیق گرانس مکان و زمان حیاتش را دقیق دریاب نکرده‌اند.

اوقات زیاد عقیده ای وجود داشت که زردشت گویا در آذربایجان پیدا شده و حیات بسر برده باشد اما تفحصات نوین علمی در اساس زمان گاتهای زردشت این عقیده را باطل دانستند. موارد زمانی گاتها هیچ امکان آذربایجانی بودن پیمبر زردشت را نمی‌دهد. زردشت شخصیت بزرگ و روحانی بود. موقع اصلی دین زردشت از پرستش آب و آتش عبارت است. آب در دشت‌های بیکران بخشنده حیات بود. آریایی‌ها پرستش آب و رود را به عنوان آپاس می‌کردند و به وی سجده کرده نذر که در زبان اوستا زاتره است می‌بردند. زاتره بعدتر در شکل پیشکش، هدیه و قربانی مشهود می‌شود.

زاتره\_ نذر آب تا امروز در ناحیه روشن و شغنان با عنوان نذر پیر عواصان در عمل است.

هنگام بسوی «دریای پنج» رفتن شناوران و یا حاجتمندان دیگر آنها البته با خود در کلاهایشان (انرا شناوران) و یا در کلوار توت و تلقان با دانه‌های (هسته) زردآلو و نان نذر آب دریا می‌برند و از این پیشکشها هم خودشان می‌خورند و هم به آب دریا نذر پیر عواص می‌اندازند تا شناوران و کارهایش مراد گیرد و موفق باشند. قبل از درآمدن به آب اول به آب دریا سلام

### ایران زمین

می‌کنند. پرستش طرز دیگر آب این است که هیچ چیز را به آب نمی‌اندازند، حتی آب دهان را تا این که فاسد نشود. آب در نظر عمل بدخشانیان امروز هم مقدس می‌باشد.

آتش عنصر دیگری که لایق پرستش بوده است. آن هم چیزی ارزنده برای مردمان صحرائشین آن محسوب می‌شد. آتش سرچشمه بخشاینده گرمی در فصل خیلی سرد زمستان (در ویدوات یکم اوستا گفته می‌شود که در آن کشور هفت ماه تابستان و پنج ماه زمستان است) و هم وسیله پختن گوشت حیوانات خانگی و وحوش نگاه می‌داشتند.

در خانه‌های مسکونی خاص مردم پامیر (چود در روشن، گد در سبزغلام، چید در شغان)، آتش دان بادو جُنگ (پیش آتشدان) جای مخصوص را اشغال می‌نماید که بی \_ اردان \_ آتش دان خانه پامیری معنی ندارد.

اردان در زمانهای قدیم برای آتش پرستان چون مهرب خدمت کرده است که به این معنی حکیم فردوسی نیز اشاره‌ای دارد:

بدان گه بدی آتش خوب رنگ

چو مر تازیان را هست مهرباب سنگ (۵،۱۸۹)

در روزهای ما هم این صحنه مشاهده می‌شود. چنانچه پامیری‌ها روز عروسی و مسافرت \_ آتشدان زیارت می‌کنند. مردم آنجا هم مثل همه ایرانی‌ها در مسیر تاریخ به آذر بستگی مخصوص پیدا کرده اند و آن را موفقیت ایزدی دانسته شعله‌اش را یادآور فروغ رحمانی خوانده و آتشدان افروزان را به منزله مهرباب قرار داده‌اند. (۸،۵۰۶)

بنا در هر مراسم در دو (جُنگک) پیش آتشدان رستنی خوش بو دود داده

## ایران زمین

می شود تا که فرشتگان نگهبان خواندن دعای خیر اهل خانه را قبول فرموده نیت و مراد صاحب خانه را داده و برآورده باشد.

در پامیر آتش را در آتشدان های خانه ها در زیر خاکستر نگاه می دارند تا که خاموش (خاموش) نشود و نگاهبان آتش می باشد.

پرستش آتش در نواحی مختلف امروز پامیر در شکل جشن «چهارشنبه سوری» محفوظ مانده است. مراسم چهارشنبه سوری یک هفته قبل از عید «نوروز» برگزار می گردد. یعنی بگاهی روز چهارشنبه مردمان دهات هر کدامی از خانواده یا چند خانواده همسایه های نزدیک در نزدیکی یکی از خانه هایش از چوب خوش سوز و خوش بوی درخت ارچه آتش در میگیراند. همسایه ها از خورد و بزرگ در اطراف آن جمع می شوند و از بالای آتش فروزان سه بار می پرند و در آخر هر کدام از آنها از لباس خود پاره ای کنده به آتش می پرتابند و «بلاها دفع» را به آواز بلند می گوید.

پرستش آتش باز در شکل دیگر یعنی رخاجبوی نیز معلوم است. علف مخصوص خوشبوی «بوی واخ» که در پشته ها می روید چیده خوشک می شود و خشکه آن را به روغن می آلاینند و عاداتا شبهای چهارشنبه و آدینه آن را در آتش می اندازند تا که دود کند. دودش بسیار بوی خوش و گوارا دارد و هنگام دود کردن گویا روح عزیز و بزرگان در روزنه خانه جمع می شوند. خانه های پامیری در وسط سقف روزن دارد که روز توسط آن به خانه روشنی داخل می شود و هنگام درگیراندن آتش دود آتش از داخل آن بیرون می آید. بعد از مراسم «رخاجبوی» کمی از روغن در آتش می اندازند و آن هم از عادات قدیمه نیایش است. چلیک پزی نیز از سنتهای باستانی زائری آتش محسوب

### ایران زمین

است. پزنده ها چلپکهای پخته را نثار رهگذران می کنند و قسم خاصه را به «نذر» کارگاه حضرت داود به استاخانه (کارگاه) می برند.

یکی از نشانه های دین آریایی آتشکده ها می باشند که آثاری از این آتشکده ها تاکنون در پامیر باقی مانده است. بهتر و خوب ترین آنها در سوچان نام موضع ناحیه شغنان محفوظ مانده است. در قریه های پاشنیو، برروشان، بسید (وادی برزنگ)، شاخدره هم تا قرن ۱۶ تا به شغنان آمدن چهار مبلغ شیعه، سید محمد اصفهانی (شاه کاشان)، عبدالرحمن (شاه خاموش)، شاه برهان ولی و شاه ملنگ، آتشکده ها وظایف مقدس خود را اجرا می کردند ولی با مرور زمان مقدسات آریایی یا به کلی و یا قسمتی خراب گردیدند و من بعد آنها را به طرز اسلامی استفاده می نموده اند. (۹،۷۵)

اجداد هند و ایرانی ما هنگام ذبح حیوانات هیچگاه بی تفاوت و بی احساس نبوده و همیشه ترس احترامانه و تپش ناآرام قلب را احساس می کردند و این مراسم را با دعای مقدس انجام می دادند.

در پامیر امروزی هیچ از این گونه کارها بی سخن و کلمه «الله اکبر» انجام نمی گیرد و هنگام ذبح گوسفند یا حیوان دیگر دعای به زبان عربی قرائت میشود.

از روی عقاید نیاکانمان که در اینجا شایسته ذکر است جان حیوان بعد از ذبح هم زنده است. شناخت قرابت خونی میان آدم و حیوان در قسمت های قدیمترین خداپرستی یسنا عکس یافته است. (یسنا، گات ۱،۳۹)

«اینچنین می ستاییم گیو سورونو گیو شتتسک و روان های خود و روانهای چهارپایان را، مایه زندگانی ما هستند که ما برای آنها ایم و آنها برای ما.»

## ایران زمین

در میان مردم پامیر در روزهای ما پرستش روح و ارواح، دیو و پری هنوز هم در رواج است. و برای همین «طومار تشار» برای از چشم بد دور و جهت نگهبانی کردن آدم از دیو و جن استفاده می‌نمایند.

مثلا هنگام به سفر برآمدن در روشن برننگ و شغنان شخص به سفر رونده باید حین از خانه برآمدن باید با کسی دچار نیاید و او باید به تنهایی از در خانه بیرون شود و این را «بروی خود برآمدن» می‌گویند چون که هر نیک و بدی که در مسافرت پیش آید او باید از کسی دامنگیر نشود که تو روی بد داشتی. در پامیر هنوز هم روز اول ماه نو را هر کسی کوشش میکند که به روی کسی نبیند و آن را به تنهایی ببیند و از هلال مراد آسودگی طلب نماید. اگر ماه نور را در رو به روی شخصی ببیند و در همان مایگان فلاکتی به آن شخص رخ دهد از آن کس مشکوک میشود که روی بد و نامبارک داشته است. برای تصفیه خانه از دیو و جن در خانه‌ها هرشام علف خوشبو را دود می‌کنند. هنگام برآوردن عروس هم در پیش آتشدان هم علف خوشبو را در میگیرانند و دود میکنند و شخص راهنما به بیرون برآمده با آواز بلند «کناره» میگوید یعنی تا که چشم بیگانه به عروس تاثیر نکند. این سنت باستانی در نواحی‌های مختلف پامیر امروز هم در عمل است. (۹-۱۰-۱۸)

درباره تاریخ تمدن قبیله‌های آریایی اثرهای زیاد نوشته شده است. اما این چند سخنی که در این مقاله آورده‌ایم تا هنوز در یگان سرچشمه یا نوشتجات تاریخی به چشم نمی‌خورند و از این قبیل نمونه‌های دینی اصلی آریایی ما در بین مردم کوهستان بدخشان خیلی زیاد محفوظ مانده ولی اکثر آنها فعلا از دید دین اسلام شرح و توضیح می‌گردند و شاید پژوهش بیشتر و عمیقتر بالای

## ایران زمین

این مسائل پیچیده روشنی صحیح را خواهد انداخت و ما تحقیق بیشتر عالمان را انتظار هستیم.

## ادبیات

- ۱- کتاب به زبان روسی
- ۲- کتاب مارکوپولو، المه انا، ۱۹۹۰
- ۳- ناصر خسرو، جامع الحکمتین، تهران، ۱۹۸۴
- ۴- ابن خردادبه، المسالک و الممالک
- ۵- فردوسی، شاهنامه، تهران، ۱۳۶۵
- ۶- ابن حوقل، صوره الارض، تهران، ۱۳۴۵
- ۷- بایس، زردشتیان، لنینگراد، ۱۹۹۴
- ۸- پورداد، ادبیات مزدایسنا، بمبئی، ۱۹۳۸
- ۹- شاه حماروف ابو سید، پامیر کشور آریایها، دوشنبه، ۱۹۹۷
- ۱۰- ابایوا، مجموعه تاریخ بدخشان، تاشکند، ۱۹۶۴
- ۱۱- ا. م. آدانسکی، مقدمه فلولوژی ایرانی (به زبان روسی)، مسکو، ۱۹۶۰